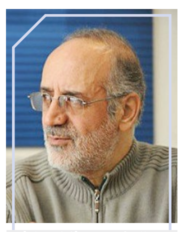
جمال شورجه (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

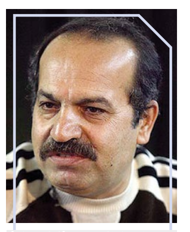
رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

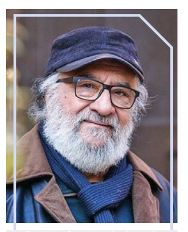
داریوش ارجمند (بازیگر)

داود میرباقری (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (مستندساز)

پروانه معصومی (بازیگر)

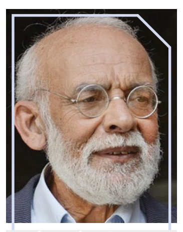
مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

فرج‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (پویانما)

مجید مجیدی (فیلمساز)

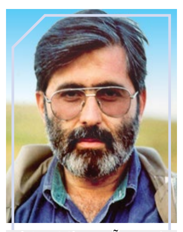
شهید آوینی (فیلمساز)

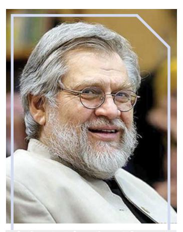
نادر طالب‌زاده (کارگردان)

واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینماتوگراف ۲

پرمخاطب‌ترین نوع سینمای پس از انقلاب

سعید مستغاثی

بخش سی‌ام

سینمای دفاع مقدس از پرمخاطب‌ترین ژانرهای سینمایی بعد از انقلاب به شمار می‌آید، چنان‌که ۴ فیلم از فهرست ده‌تایی پربیننده‌ترین فیلم‌های سینمای این سال‌ها را آثار دفاع مقدس تشکیل می‌دهند و در صدر این لیست به عنوان پرتماشاگرترین فیلم سینمای سال‌های پس از پیروزی انقلاب، فیلم «عقاب‌ها» ساخته ساموئل خاچیکیان قرار دارد.

اما متأسفانه آمار نشانگر آن است که از اواسط دهه ۷۰، تولید و ساخت فیلم در سینمای دفاع مقدس رو به افول نهاد و به بهانه‌های مختلف از قبیل اینکه دوران جنگ سپری شده و یا هزینه تولید فیلم جنگی بالاست و تماشاگر هم آن را نمی‌پسندد، سال به سال از تعداد این‌گونه فیلم‌ها در چرخه تولید سینمای ایران کاسته شد.

آسیب‌شناسی سینمای امروز دفاع مقدس

اگر به کلام حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) معتقد باشیم، همان‌طور که در پیامشان پس از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ فرمودند:

«...جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به‌راه اندازیم...»

اگر سخنان دوراندیشانه مقام معظم رهبری را در طول این سال‌ها به خاطر داشته باشیم که از نخستین ماه‌های ولایتشان، همواره بر تهاجم و جنگ فرهنگی دشمن علیه انقلاب و ایران تأکید داشته و دارند و اگر اعتراف برخی از سردمداران فکری غرب را از یاد نبریم مانند سخن رئیس وقت بنیاد ملی برای دموکراسی (NED) وابسته به سازمان CIA که در گزارش سال ۱۹۹۶ نوشت:

«...جنگ فراگیر اندیشه‌ها به بزنگاه خود رسیده است. در عصری که مصالح و ارزش‌های ایالات متحده از یورش بی‌امان عقیدتی نیروهای بی‌شمار خصم در رنج است در چنین اوضاع و احوالی روا نیست که ایالات متحده میدان نبرد عقیدتی را به دشمنان خود واگذارد...»

آنگاه با این واقعیت و باور همراه خواهیم بود که دفاع مقدس ما به آن ۸ سال جنگ تحمیلی محدود نشده و اگرچه در آن ایام، در شکل و قواره‌ای سخت و پر سر و صدا جریان داشت، اما پس از آن به شکلی پیچیده، خاموش و نرم تداوم پیدا کرد و در تمامی این سال‌های پس از جنگ تحمیلی در انواع و اقسام اشکال فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای و علمی و... ادامه داشته و دارد و هر روز جدی‌تر و عمیق‌تر و پردامنه‌تر می‌شود.

زمینه‌های جنگ نرم

البته امروز اسناد و مدارک بسیاری در دست است که جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی پیش از پایان جنگ تحمیلی شکل گرفته بود و از همان زمان، اتاق‌های فکر و استراتژیست‌های غرب، شکست خود و صدام را در جنگ پیش‌بینی کرده بودند. در سال ۱۹۸۶ میلادی برابر با سال ۱۳۶۵ هجری شمسی آنگاه که رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۸، فاو را فتح کرده و با عملیات کربلای ۵ در آستانه فتح بصره بودند، فرانسیس فوکویاما، نظریه‌پرداز و تئوریسین برجسته آمریکایی، در کنفرانسی تحت عنوان «بازشناسی هویت شیعه» در اورشلیم اسرائیل حضور پیدا کرد و طی یک سخنرانی مهم به نقاط قوت انقلاب اسلامی و شیعیان در مقابله با غرب صلیبی/صهیونی، به تفضیل اشاره نموده و راه‌های مقابله با آن را یک به یک و با تکیه برجزئیات ذکر کرد.

پیاده شدن تئوری فوکویاما در سینمای دفاع مقدس

متأسفانه تئوری فوکویاما از جمله در سینمای دفاع مقدس ما ظهور یافت و آن را دچار یک نوع آسیب و بهتر بگوییم آفت نمود. آنچه به عنوان سینمای ضد جنگ در واقع در میدان دفاع و به شکل سینمای ضد دفاع نمایان گردید. سینمایی که در هیچ یک از کشورهای صاحب سینمای دنیا، سابقه نداشت.

در سینمای فرانسه یا شوروی سابق که سرزمین‌شان اشغال شده بود و آنها برای مقابله با اشغالگر می‌جنگیدند، هیچ فیلمی علیه دفاع مشروع‌شان در برابر دشمن اشغالگر ساخته نشد. آثار مهمی همچون «نبرد راه آهن» (ساخته رنه کلمان وبرنده نخل طلای اولین دوره جشنواره کن) درسینمای فرانسه یا «آنها برای میهن‌شان جنگیدند»(سرگئی باندارچوک) در سینمای شوروی سابق و یا «جنگ رودخانه نرتوا» (ولکو بوولاجیک) در سینمای یوگسلاوی، نمونه‌هایی از این آثار هستند.

حتی در سینمای آمریکا وهالیوود که اگرچه سرزمین‌شان اشغال نشد و به عنوان کمک به مناطق اشغالی اروپا در جنگ حضور پیدا کردند، این حضور را نوعی دفاع خواندند و از همین روی در آثارشان، نشانه‌ای از سینمای ضددفاع رویت نشد، مانند «گروهبان یورک»(هاواردهاکس) یا «کازابلانکا»(مایکل کورتیس) ویا مجموعه«چرا می‌جنگیم» (فرانک کاپرا).

اما متأسفانه از میانه دهه ۸۰ فیلم‌هایی ظاهراً در حیطه سینمای دفاع مقدس ساخته شدند و برخی از آنها در خدشه‌دار نمودن ارزش‌ها و آرمان‌های دفاع مقدس تا آنجا پیش رفتند که حتی اصل دفاع مقدس را نیز زیر علامت سؤال بردند. این بارزترین حضور جنگ نرم نظام سلطه و پیاده شدن تئوری‌های فرانسیس فوکویاما در دل سینمای دفاع مقدس بود که به منصه ظهور رسید.

ارزش‌ها و مظاهر آن را زیر سؤال بردند

به بهانه اینکه قهرمانان و اسطوره‌های دفاع مقدس را بایستی برای نسل امروز ملموس‌تر و عینی‌تر به تصویر کشید، همه آن ویژگی‌ها و خصوصیاتی را که در برخی فیلم‌های ضد جنگ هالیوودی و اروپایی از سربازان و مزدوران آمریکایی و اروپایی دیده بودند عیناً کپی کرده و به قد و قامت سردارانی دوختند که یک دنیا را مات و مبهوت خود کرده بودند.

این به اصطلاح جنگی سازها، بعضاً دو طرف جنگ تحمیلی یعنی هم متجاوزین صدامی و هم ملتی را که فقط از آب و خاک و دین و کشورش دفاع می‌کرد، در یک ترازو قرار دادند و با یک میزان سنجیدند، یا سرداران و فرماندهان جنگ را به استهزاء و سخره گرفتند و خلوت‌های عرفانی و الهی‌شان را با معیارهای مادی سنجیدند و یا در فیلم‌هایشان ساحت مقدّس جبهه‌ها و سنگرهای پاک رزمندگان اسلام را به هر آنچه که سلائق بیگانه با دفاع مقدس می‌پسندید و شیفتگان وخود باختگان فرهنگ غرب می‌خواستند، آلوده کردند تا به خیال خام خود، غرب‌زده‌ها و از خود بیگانه‌ها را خوش بیایند و در خوش‌بینانه‌ترین نگاه به سینمای به اصطلاح دفاع مقدس جلب کرده و یا با سوءاستفاده از نام و عنوان دفاع مقدس، پول‌های هنگفت به جیب بزنند و در مقابل به قیمت خشنودی بیگانگان و دشمنان این ملت، ارزش‌ها و مقدسات او را لگدمال کنند.

ایده‌ای که فرانسیس فوکویاما در سال ۱۹۸۶ ارائه داد و پس از آن هم توسط مجموعه‌ای از نهادها و مراکز فکری و اندیشکده‌ها و تینک‌تنک‌های غرب به صورت جزئی‌تر و با تدوین مانیفست ویژه، تئوریزه شد و در رأس دکترین جنگ نرم کانون‌های صهیونی قرار گرفت، این بود که با بی‌اعتبار نمودن ارزش‌ها و اسطوره‌های اسلام و انقلاب و جنگ تحمیلی و بی‌تفاوت نمودن نسل جدید نسبت به آنها، زمینه‌های فروپاشی ایدئولوژیک جامعه و پس از آن فروپاشی فیزیکال نظام جمهوری اسلامی را فراهم آورده و یا آن را دچار استحاله از درون گردانند.

آنچه که در جریان فتنه سال ۸۸ با تمام قوا و نیرو از سوی جبهه گسترده امپریالیسم جهانی دنبال گردید و متأسفانه در حیطه سینمای دفاع مقدس نیز خواسته یا ناخواسته برخی از فیلمسازان در دام آن گرفتار آمدند به خیال اینکه نگاهی نو نسبت به دفاع مقدس عرضه می‌دارند، غافل از آنکه همان ایده فوکویاما وتئوری‌های پژوهشکده‌های صهیونی را به مرحله اجرا در می‌آوردند.

کارگردان نمایش تحسین‌شده «مجنون»

با علی ربیحاوی‌پور

روایت خاطرات جزیره مجنون در تئاتر

مهدی امیدی

«مجنون» یکی از نمایش‌های موفق نخستین جشنواره ملی تئاتر شبستان بود که به موضوع شهدای گمنام و مسئله تفحص در دفاع مقدس می‌پرداخت؛ این نمایش که توسط گروهی جوان از استان مازندران در این جشنواره شرکت کرد و مورد توجه قرار گرفت، جلوه‌های ویژه‌ای از دوران دفاع مقدس را نمایان می‌کرد. به همین بهانه با علی ربیحاوی‌پور، نویسنده و کارگردان این نمایش گفت‌وگو کردیم:

ربیحاوی‌پور نویسنده و کارگردان نمایش «مجنون» با بیان اینکه از سال ۹۱ فعالیت من در تئاتر به عنوان دستیار کارگردانی آغاز شد اما از سال ۹۴ شکل حرفه‌ای‌تر تئاتر را دنبال کردم، گفت: در جشنواره‌های مختلفی چون فتح خرمشهر و فجر شرکت کردم و سال ۱۴۰۰ اولین کارگردانی خودم را در جشنواره بسیج انجام دادم و جوایز بسیاری هم کسب کردیم و همان سال هم کار باوان را به روی صحنه بردیم و در جشنواره سردار شرکت کردیم و داستان خانمی بود که می‌خواست یک امانتی را به حاج قاسم برساند که شهرشان را در کردستان نجات داده بود. وی درباره نمایش «مجنون» بیان کرد: دغدغه من همیشه کارهای دفاع مقدس و مقاومت بوده و پدرم جانباز اعصاب و روان است و همیشه خاطرات پدرم را گوش می‌دادم. یک‌بار خاطره خوبی از جزیره مجنون برایم تعریف کرد و این باعث شد تا یک کار با تیم خودمان راجع به جزیره مجنون و شهدای گمنام بنویسیم.

کارگردان نمایش «جزیره مجنون» گفت: تمام کارهای نمایش از انتخاب سوژه تا نمایشنامه و انتخاب بازیگر و کارگردانی در تیم سه نفره ما و در اتاق فکر شکل می‌گیرد. مقوله جنگ و مقاومت قصه‌های نو و جدید بسیاری دارد و می‌توان اجراهای متفاوتی داشته باشد اما اکثر ایده‌ها و سبک‌ها به یک شکل و تکراری انجام شده و مخاطب از این شیوه اشباع شده، نمایش مجنون را برای اجرای خیابانی آماده کرده بودیم که برای جشنواره شبستان تغییراتی انجام دادیم تا مناسب اجرا داخل مسجد شود. ربیحاوی همچنین اظهار کرد: به نظرم برگزاری جشنواره تئاتر مسجد آن هم برای اولین بار در سطح ملی جشنواره خوبی بود. شروع چنین فعالیت‌هایی نیازمند جرأت است و از عهده هر کسی برنمی‌آید. به نظرم مسجد می‌تواند به کمک تئاتر بیاید و اتفاق‌های خوبی در مسجد رخ دهد و حرفه‌ای‌های تئاتر با کانون فرهنگی مساجد همکاری کنند و مطمئنم سال آینده فعالان بیشتری از حوزه تئاتر حرفه‌ای با جشنواره همکاری می‌کنند.

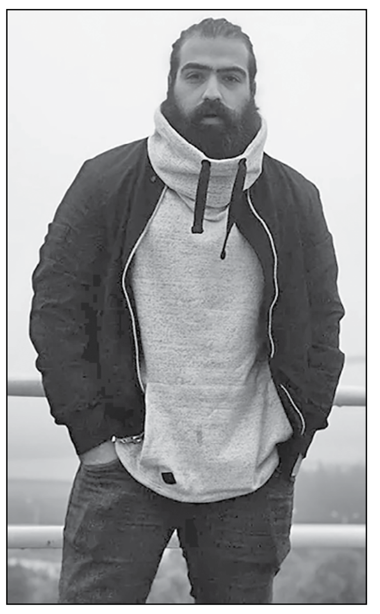

تفاوت مجنون در نو بودن آن است

علی هیهاوند دیگر بازیگر نمایش مجنون است که معتقد است در حوزه دفاع مقدس کارهای خوبی انجام شده اما برخی از سوژه‌ها در پردازش به شکل تکرار ارائه شده و مخاطب را خسته کرده و می‌توان گفت نه آنکه مردم دفاع مقدس را دوست نداشته باشند بلکه برخی از تولیدات مرتبط با این حوزه را دوست ندارند. وی ادامه داد: مردم نیازمند کارهای نو هستند و نمی‌توان یک قصه یک خطی را برای آنها ارائه کرد و یا در آثار مرتبط دفاع مقدس نباید از شعار استفاده کرد. تفاوت مجنون در نو بودن آن است نمایشنامه نیز مبتنی بر سه قصه شکل گرفته که به هم به شکل تو در تو مرتبط هستند و همین اسم شده شکل جدیدی از نمایش به مخاطب ارائه شود. این بازیگر تئاتر افزود: شکل اجرای نمایش مجنون از آن سبک رئالیستی متداول نمایش‌های جبهه خارج شده و در یک قالب فرمالیستی نمایش را به روی صحنه بردیم و باکس‌هایی آماده کردیم که هم سنگر است و هم تابوت، در صحنه تعمیرگاه ماشین است و در جای دیگر اتوبوس، همچنین یک جا سکوی قهرمانی است. هیهاوند بیان کرد: همه مردم جنگ را می‌دانند اما اینکه چگونه آن را به تصویر می‌کشیم برایشان مهم است. فکر می‌کنم مزیت کار ما در حوزه دفاع مقدس این است که نمایش مجنون را از حالت رئالیستی خارج کردیم و گروه ما از دو سال قبل به طور مستمر در حوزه دفاع مقدس مقاومت کار کرده و در جشنواره‌های فجر و بسیج شرکت کردیم.

وی ادامه داد: علاوه‌بر کارهای حوزه دفاع مقدس اجراهای دیگری با زمینه‌های اجتماعی و برای عموم داشتیم و دغدغه اصلی ما جنگ و دفاع مقدس است و من بچه جنوب هستم و در بین اقوام و آشنایانی بزرگ شدم که همگی به جبهه رفته بودند. ما سعی می‌کنیم قهرمانان جبهه را به شکلی نو معرفی کنیم که برای مخاطب تکراری نباشد. بدون شعار هم می‌توان سوژه‌های جنگ و جبهه را به تصویر کشید.

هیهاوند تاکید کرد: نمایش مجنون فاقد هر نوع پیام شعار گونه است اما به طور کامل در خدمت جنگ و جبهه است و از بازخوردها متوجه شدیم که هر کسی این اجرا را دیده آن را دوست داشته چرا که در آن شعاری وجود ندارد. هنوز می‌توان بر روی سوژه‌های دفاع مقدس کار کرد و یا در بستر آن انواع مسائل اجتماعی و حتی سیاسی و منتقدانه را مطرح کرد. آن ۸ سال که در دفاع مقدس جنگیدیم مسئله مهمی است.

وی چالش‌های آثار حوزه دفاع مقدس را در مواردی خارج از چهارچوب هنر عنوان کرد و ادامه: جشنواره ملی تئاتر شبستان کمک می‌کند تا نگاه مردم نسبت به سوژه‌های دفاع مقدس تغییر کند چرا که این جشنواره‌ها آثار هنری را به دل جامعه می‌کشاند. اگر در این موقعیت‌ها کارهای خوب تولید شود کاملاً بر روی نگرش جامعه اثر مثبت می‌گذارد. این بازیگر تئاتر یادآور شد: پچ پچ‌های پشت خط نبرد یکی از کارهای خوبی بود که به دل مخاطب نشست و واقعاً که این کار شکل و فرم خاص خود را داشت و کاملاً نو بود و وقتی مخاطب چنین آثاری را ببینند قطعاً در اجراهای کارهای دیگر ذهنیتش تغییر کرده و به استقبال آنها خواهد رفت ما نیز باید کارهای نو و جدید به جامعه ارائه کنیم.

پیشرفت جشنواره تئاتر مسجد در گرو کمک گرفتن از اهل فن است

سیدهادی احمدی دیگر بازیگر این نمایش است که تاکید دارد: برای انجام هر کاری به ویژه فعالیت‌های فرهنگی نظیر نمایش با محور مسائل اخلاقی و دینی باید دغدغه این حوزه‌ها را داشته باشیم. همچنین در حوزه ادبیات دفاع مقدس و رشادت‌هایی که بسیاری از هموطنان ما داشتند، به این موضوع‌ها برای کسی که از نزدیک قرار است فعالیت کند چندان ساده نیست.

وی افزود: البته تلاش برای معرفی حماسه سازان هرچند که سختی‌های خود را دارد اما در پایان وقتی ثمربخش می‌شود شیرینی خودش را نیز دارد. برای آنکه در این حوزه بتوانم نتایج بهتری به دست آورم تولیدات دیگران را می‌بینم و از آنها همیشه یاد می‌گیرم و ایده‌های بسیاری کسب می‌کنم به طور مثال کسی که فرزند شهید است و ۲۰ سال است که نمایش در حوزه دفاع مقدس نولید می‌کند تجربیات و حرف‌های خوبی برای گفتن دارد چرا که قطعاً او دغدغه بسیاری در این عرصه دارد.

احمدی در بخشی از سخنانش عنوان کرد: نسلی که جنگ را تجربه کرده همیشه مسائل آن را به زندگی خود گره زده و هرچند که این نسل از نزدیک جنگ را هم ندیده باشد اما تاثیرات آن را به طور کامل در زندگی خود دریافت کرده حال می‌توان تصور کرد آن کسی که ۵ سال در جبهه‌ها حضور داشته چقدر این موقعیت در زندگی و روح و روان او اثر منفی گذاشته است.

وی در مورد نمایش مجنون گفت: این کار راجع به سه شهید گمنام است چگونگی اعزام آنها به جبهه و شهادتشان را به تصویر می‌کشد همین‌طور نحوه تفحص پیکر آنها نیز به نمایش گذاشته می‌شود. این نمایش محصول تلاش گروه مجنون است و امیدوارم بتوانیم کارهای اینچنینی بیشتری انجام دهیم.

احمدی در بخشی از سخنانش بیان کرد: تئاتر شبستان تا حد بسیار زیادی به ایده پردازی مربوط است و اینکه بتوانیم به شکل متفاوتی مفاهیم را به تصویر بکشیم و برای اینکه بچه‌های مسجد بتوانند چنین تصاویری را به روی صحنه ببرند لازم است از نیروهای متخصص به عنوان مربی و آموزگار کمک بگیرند.

احمدی در همین رابطه اظهار کرد: گاهی در اجرای نمایشی مانند بید مجنون به واسطه عکس‌العمل تماشاچیان می‌توان گفت ما حین اجرای نمایش از آنها تاثیر بسیاری می‌گیریم. در نمایش از شهید گمنام سخن می‌گوییم و پس از اجرا یکی از تماشاچیان می‌گوید که یکی از فرزندانش شهید گمنام است این من را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. برای انسان چنین مواجهه‌ای می‌تواند اسباب شرمندگی باشد که آیا توانسته یک پدر شهید را با اجرای یک نمایش راضی نگه داشته باشد.

وی در پایان تاکید کرد: جشنواره تئاتر مسجد باید طوری به تربیت نیروها توجه داشته باشد که آنها بتوانند کارهای خوبی در مساجد اجرا کنند و از این مسیر می‌توانند موفق شوند. همان‌طور که قبلاً گفتم لازم است از نیروهای متخصص استفاده کنند تا شکوفایی بچه‌های مسجد را ببینند. استقبال از جشنواره هم بسیار چشمگیر بود فکر می‌کنم اگر تلاش برای پیشرفت آن کنند حتماً آینده درخشانی برای این جشنواره متصور است.

مدیر مرکز صبا خبر داد

تولید پویانمایی با موضوع دوران دفاع مقدس و مباحث قرآنی

رسول شمالی ورزنده

رئیس مرکز پویانمایی صبا گفت: مرکز پویانمایی صبای رسانه ملی در کنار تولیدات پویانمایی‌های متعدد و از جمله بخش دفاع مقدس، هم اکنون «قصه‌های سلام» را با مضمون و محتوای مباحث قرآنی تولید کرده است.

محمد رحیم لیوانی رئیس مرکز پویانمایی صبای سازمان صداوسیما در گفت‌وگو با کیهان گفت: مرکز پویانمایی صبا در حال حاضر با طی کردن مسیر تولید، مجموعه‌هایی همچون مجموعه «کشتی‌گیران» که به ورزش پهلوانی کشتی می‌پردازد و مجموعه «قصه‌های ناخوانده» با محتوای قصه‌های کهن و شیرین ایران‌زمین را در کنار مجموعه قصه «قصه‌های سلام» با موضوع آیات قرآنی دارد و تلاش‌اش این است که آثاری به روز، فاخر و ماندگاری را به بینندگان خود ارائه کند.

لیوانی همچنین افزود: پویانمایی «نابغه‌های کوچک» در گروه کودک با موضوع آشنایی کودکان با پیشرفت‌های فن‌آوری و دشمن‌شناسی، مجموعه‌های پویانمایی «چی شد که این رنگی شدم» «فیل کوچولو» «آنی و مانی» «مادر کونیکو» و « لینا و لونا» از آثار جدیدی هستند که در مرکز پویانمایی صبای رسانه ملی در حال تولید است.

رئیس مرکز پویانمایی صبا همچنین در رابطه با ساخت آثار فاخر پویانمایی در ژانر دفاع مقدس و ایثارگران هم گفت: ما در این بخش نیز تاکنون موفقیت‌هایی داشته‌ایم و آثاری همچون روایت معیار با موضوع عملیات‌های دفاع مقدس را تولید کرده‌ایم که مجموعه‌های پویانمایی «سلام بر ابراهیم»، «نوزده قدم تا خدا»، «چهل شاهد» و « امروز با تو» که پیرامون شهدا و عملیات‌های مهم در دوران دفاع مقدس است از جمله آنهاست.

وی درخصوص آثار تولیدی مرکز پویانمایی صبا که در جشنواره‌های مختلف موفق به کسب مقام شده‌اند هم گفت: پویانمایی «بی‌پلاک» در جشنواره پویانمایی تهران، پویانمایی «شکرستان» در جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی، پویانمایی «قلعه ماهیان» در جشنواره عمار، پویانمایی «جوانمردان» در جشنواره فانوس، و نیز برنامه‌هایی مانند «رعنا دختر دهقان»، «آنی و مانی»، «شکرستان» و پویانمایی «سلام بر ابراهیم» در جشنواره تولیدات پویانمایی و عروسکی در زاهدان به عنوان آثار پویانمایی حائز کسب مقام و به عنوان آثار برتر معرفی شدند.

رئیس مرکز پویانمایی صبا در آستانه سال نو و فرارسیدن ماه مبارک رمضان در مورد پخش برنامه‌های ویژه این مرکز که در این ایام برروی آنتن شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما خواهد رفت گفت: پویانمایی‌های «فیل کوچولو»، «چی شد این رنگی شدم»، « آنی و مانی»، «دشت پرماجرا»، «جوانمردان»، « شکرستان» و همچنین مجموعه‌های «چیا»، «قصه‌های ریرا»، «مثل نامه» کوچولوهای کنجکاو، «جنگل فندق»، «موزه»، «خروس زیرک و روباه کلک»، «پند پارسی»، «آقا معلم و بچه‌ها» و «فرآیند» از جمله برنامه‌هایی هستند که در ایام نوروز ۱۴۰۳ و ماه مبارک رمضان از شبکه‌های سیما پخش خواهد شد.

محمد رحیم لیوانی رئیس مرکز پویانمایی صبای رسانه ملی در پایان این گفت‌وگو اظهار داشت: مرکز پویانمایی صبای سازمان صداوسیما به‌عنوان بزرگ‌ترین پیشران پویانمایی کشور است که به نوبه خود نقش بسزایی در حفظ تکنیک‌های تولید پویانمایی و ماندگاری این صنعت را در ایران برعهده دارد.

نگاهی به فیلم «شکست دوازدهم»

موج نوی سینمای هند: امید واقعی

فاطمه قاسم‌آبادی

سینمای هند از قدیم، در دنیا مخاطبین خاص خود را داشته است. بالیوود طی چندین دهه توانست کاری کند که فیلم‌سازی به یکی از صنعت‌های پولساز در هند تبدیل شود. البته از نظر پیشرفت در تکنولوژی و استفاده از دوربین‌های قوی و.... در حال حاضر هند توانسته، گوی سبقت را از هالیوود هم برباید.

همان‌طور که کره جنوبی و ترکیه در آسیا، در سریال‌سازی پیشرو هستند، هند هم بدون اغراق مانند این دو کشور در صنعت فیلم‌سازی، موفق عمل کرده است و هرچند که مخاطبین اهل هنر، هنوز هم دیدن فیلم هندی را نوعی بی‌کلاسی می‌دانند ولی قشر عام مردم از فیلم‌های هندی همچنان استقبال می‌کنند.

فیلم «شکست دوازدهم» به نویسندگی و کارگردانی «ویدهو وینود چوپرا» محصول سال ۲۰۲۳ هند است.

این فیلم با اقتباس از کتاب زندگینامه‌ای به همین نام، درباره زندگی«مانوج کومار شارما» است که بر فقر شدید غلبه کرد و افسر سرویس پلیس هند شد.

داستان شکست‌های پی‌درپی

داستان فیلم «شکست دوازدهم»، در مورد زندگی پسری جوان به نام «مانوج» است. مانوج در منطقه‌ای دور افتاده در هند به نام «چمبال»، در یک روستا زندگی می‌کرد که به خاطر راهزن‌ها و خلافکارانش معروف بود.

در روستای محل زندگی مانوج، هر سال دانش‌آموزان با تقلب قبول می‌شدند و مدیران مدرسه به آن‌ها کمک می‌کردند تا آنها بتوانند سریع‌تر فارغ‌التحصیل شوند و به کارهای سطح پایین مانند پادویی مشغول شوند.

اما یک سال در زمان برگزاری امتحانات، رئیس پلیس منطقه که تازه به آنجا منتقل شده بود، اجازه تقلب را به دانش‌آموزان نداد و همین باعث شد آن سال، همه مردود شوند!

مانوج بعد از گذراندن یک سری اتفاقات و شناخت بیشتر رئیس پلیس، تصمیم می‌گیرد با جهل و نادانی که باعث می‌شود فقرا نتوانند با درک و فهم مدرسه را تمام کنند، مبارزه کند، به خاطر همین هم فکر می‌کند بهترین راه برای مبارزه با فساد، داشتن قدرت است و او باید از طریق تبدیل شدن به یک افسر ارشد پلیس، به آرزوهایش برسد.

مانوج بعد از گرفتن تصمیم برای موفقیت در راهش، شبانه‌روز درس می‌خواند و در نهایت سال بعد، بدون تقلب قبول می‌شود و بعد از گذراندن تحصیلات اولیه تصمیم می‌گیرد به شهر برود تا در آزمون سخت پلیس شرکت کند.

اتفاقات زیادی در راه برای مانوج می‌افتد. پول و سرمایه‌اش را می‌دزدند، امتحان اولیه‌اش کنسل می‌شود، جایی برای زندگی پیدا نمی‌کند و... ولی مانوج با کمک دوستانی شبیه به خودش، بالاخره می‌تواند در دهلی جاگیر شود و بعد از دوازده بار شکست و طی سه سال، در نهایت او در امتحان و مصاحبه نهائی قبول می‌شود و می‌تواند سرنوشتش را عوض کند.

از امید فانتزیک تا امید واقعی

در سینمای هند از قدیم، مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده داستان‌ها «امید» بوده است.

حالا زمانی این امید، به شکل پیدا کردن دو برادر گمشده یا مادر و فرزند از هم جدا افتاده بوده و در موارد دیگر هم، به صورت از این رو به آن رو شدن زندگی فقرا در مدت زمان کوتاه، نشان داده شده است.

در نهایت چیزی که مهم است، این مسئله است که همیشه امید چه به صورت فانتزی و چه واقعی، برای مخاطبین سینمای هند به شدت حیاتی بوده است.

در چند سال اخیر سینمای امیدبخشِ جدیدی در هند، بدون زرق و برق‌های بالیوودی و رقص‌های رنگارنگ و ستاره‌های آنچنانی شروع به کار کرده است، اما این امید دیگر مانند گذشته اغراق‌آمیز نیست و در عوض سعی شده تا رنگ بوی واقعیت به آن اضافه شود.

برای مثال در فیلم «شکست دوازدهم»، مخاطبین با هندی مواجه می‌شوند که فقر از سر و روی مردم عادی‌اش می‌بارد و جمعیت زیادی در شهر، از سرو کول هم بالا می‌روند.

لباس‌ها معمولا ساده و بسیار رنگ و رو رفته است و هیچ خبری از ساری‌های رنگارنگ و جواهرات جذاب سنگین برای زنان و لباس‌های مارک‌دار خارجی برای مردان نیست.

در «شکست دوازدهم» مخاطبین می‌بینند که شخصیت مانوج برای گذران زندگی‌اش مجبور است سخت کار کند چون مثل خیلی از دوستانش هیچ حامی درستی ندارد که از او حمایت کند.

مانوج با هزار امید پا به دهلی می‌گذارد و با تمام سختی‌ها مواجه می‌شود. یکی از ده‌ها سختی که مانوج با آن مواجه می‌شود در قسمت مصاحبه مشخص می‌شود. به او می‌گویند کسانی که با تو مصاحبه می‌کنند، نظر مثبتی نسبت به فقرایی که در مدارس غیرانگلیسی زبان درس خوانده‌اند، ندارند و چون خوب انگلیسی نمی‌فهمی، امکان دارد تو را رد کنند!

بخشی از مردم ما تصور می‌کنند، تمام هندی‌ها به خاطر استعمار چند دهه‌ای این کشور توسط انگلستان، به زبان انگلیسی مسلط هستند.

این تصور که به شدت اشتباه است، به خاطر فیلم‌های بالیوودی که معمولا شخصیت‌ها در آن‌ها نصفه نیمه انگلیسی صحبت می‌کنند، در ذهن مخاطبین به وجود آمده است.

در واقعیت اما مردم عادی و فقیر در هند، اصلا انگلیسی نمی‌دانند و توان پرداخت شهریه‌های مدارس انگلیسی زبان را هم ندارند و اگر بخواهند وارد شغل‌های سطح بالا بشوند، همین مسلط نبودن به زبان انگلیسی باعث تحقیرشان توسط افراد عالی رتبه خواهد شد.

به خاطر همین دلیل هم افراد سطح بالا در هند، به طبقه فقیر جامعه نگاه مثبتی ندارند و دوست ندارند آن‌ها را حتی در حد قبول یک شغل به طبقه خود راه بدهند.

فیلم «شکست دوازدهم» با الهام از شخصیت‌های حقیقی ساخته شده است اما با این وجود، باز هم قسمتی از داستان را از تخیل نویسنده‌ها وام گرفته است.

برای مثال ارتباط مانوج به عنوان یک پسر خیلی فقیر روستایی، با دختری به نام «شرادا» که از خانواده متوسط شهری است، به شدت تخیلی است چرا که در هند ارتباط و ازدواج بین طبقه‌ای بسیار منفور است و خانواده‌ها به هیچ وجه اجازه چنین اتفاقی را نمی‌دهند و سنت‌های ازدواج بین مردم، برای حفظ تعادل و طبقه‌های اجتماعی هنوز هم پا برجاست.

البته اگر این ارتباط چند سال بعد از رسیدن مانوج به مقام و رتبه بالاتر اتفاق می‌افتاد، باز کمی منطقی‌تر به نظر می‌رسید ولی در زمان فقر مطلق و شانس کم او برای پیشرفت، نوعی اغراق در داستان به وجود می‌آورد که برای جذب مخاطبین به ماجرا است تا نشان دادن ادامه واقعیت‌های طبقه فقیر آن جامعه.

برای بالا بردن عزت نفس ملی

در ساخته‌های بالیوودی سه دهه گذشته، معمولا قهرمان داستان و شخصیت‌های ارزشمند ماجرا، در خارج از کشور درس خوانده یا چند سال آنجا زندگی کرده بودند و بعد به هند بر می‌گشتند در حالی که به سنت‌ها به شدت احترام می‌گذاشتند و...

کلیشه قهرمان باکلاس هندی که خارج رفته، تحصیل کرده و ثروتمند است، به نوعی مانند داستان‌های کلاسیک انگلیسی در مورد قهرمان پولدار و نجیب‌زاده است که مدام در سال‌های متمادی تکرار شده‌اند.

در حال حاضر اما سینمای جدید که با نشان دادن بخشی از واقعیت، سعی در بالا بردن عزت نفس و امید در مردم هند را دارد، به قدری مورد توجه مردم عادی قرار گرفته است که دیگر مانند قبل فیلم‌های پر از دروغ و مملو از زرق و برق نمی‌توانند، به پایشان برسند.

این سینما به حدی مورد استقبال قرار گرفته است که تعداد زیادی از ستاره‌های سینمای بالیوود هم به سمت بازی در فیلم‌های اینچنینی کشیده شده‌اند و نقش‌های شخصیت‌های واقعی در دنیای واقعی را بازی کرده‌اند. فیلم‌هایی مانند «دانگال»، «سوپر سی»، «طلا» و... از این دست فیلم‌ها هستند.

در فیلم‌های امیدبخش، معمولا تلاش جمعی برای رسیدن به اهداف ارزشمند، به تصویر کشیده می‌شود و به هیچ وجه مسئله پیشرفت شخصی و رسیدن به راحتی، پول و... در میان نیست.

در این تیپ فیلم‌ها مخاطبین می‌بینند که در بیشتر مواقع ممکن است تلاش‌ها به جایی نرسد، یا تمام کسانی که تلاش می‌کنند نتوانند به موفقیت مورد نظر برسند ولی چون مسئله تنها نتیجه شخصی نیست، انسان‌ها به یکدیگر بدون خساست کمک می‌کنند تا حتی شده یک نفر بتواند به چیزی که آرزویش را دارد، برسد و این را دستاورد همه معرفی می‌کنند.

در قسمتی از فیلم «شکست دوازدهم» کسی که در فرصت امتحان آخرش هم نتوانست موفق شود، به بقیه می‌گوید:

«درسته که ما گله گله میچپیم تو اتوبوس و قطار و میایم این‌جا و پدرهای فقیرمون نمی‌تونن ازمون حمایت کنن....ولی اراده‌ای که ما برای رسیدن به هدفمون داریم، تو مدارس لوکس آموزش داده نمیشن... برد و باخت روال زندگی ماست ولی اگر بین ما، حتی یک نفر هم موفق بشه، انگار که کل گله موفق شدن».

سهم امیدواری ما کجاست؟

با توجه به موج جدیدی که چند سالی است در سینمای هند شروع شده و مدام در آن لزوم باور به توانایی‌ها و تکیه بر فرهنگ و اهداف انسان‌ها، برای کسب افتخار برای کشورشان تاکید شده، باید دید، سهم بقیه کشورهای آسیایی و مخصوصا کشورهای مسلمان در این بین کجاست؟

در بیشتر فیلم‌های سینمایی کشورهایی مثل ما، مخاطبین می‌بینند که بیشتر از امید و باور به توانایی‌ها، ناامیدی و نکبت توسط سازندگان به ذهن مخاطبین تزریق می‌شود.

واقعیت این است که بسیاری از سینماگران شرقی، به طمع مورد توجه قرار گرفتن از جانب جشنواره‌های غربی، سعی می‌کنند در ساخته‌های خود تنها بدبختی و ناامیدی را به تصویر بکشند و طوری در این کار اصرار دارند، گویی زنده ماندن در این کشورها بیشتر به معجزه شباهت دارد تا واقعیتی که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند!

در کشور ما این عدم باور به خود و رفتن زیر لوای اطوارهای روشنفکرانه که بیشتر از وجود یک تفکر عمیق در پشتش، محصول طمع برای جلب توجه است، مانع از پیشرفت فیلم سازی و ادای دین به باورهای مملکت مان می‌شود و اجازه تولید فیلم در مورد زندگی واقعی و انسان‌های هدفمند، که برای سربلندی این کشور حاضرند از جان و دل بجنگند را نمی‌دهد.

فیلمسازان کشور ما به عنوان مملکتی که نمونه‌های زیادی از انسان‌های موفق و دلسوز را در خود جای داده است، نباید از این قافله عقب بمانند و از روایت زندگی‌های واقعی و انسان‌های شریفی که باعث بهتر چرخیدن چرخ این مملکت شده‌اند، غافل شوند.